

## ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه‌های عمر و مسئولیت مدنی

محمد آل شیخ<sup>(۱)</sup>

### چکیده

عقد بیمه یک عمل حقوقی دو اراده‌ای است و ماهیت قراردادی دارد، اما ماهیت انواع مختلف آن با یکدیگر فرق دارد. در مورد بیمه عمر، در صورتی که ذی نفع خود بیمه‌گذار باشد باید گفت که ماهیتاً یک قرارداد معوض است که عوضین آن عبارت است از پرداخت حق بیمه از جانب بیمه‌گذار در مقابل تعهد بیمه‌گر به پرداخت مبلغ معینی (در صورت حصول شرایط معین) به بیمه‌گذار می‌باشد. اما ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث، با این که نظرهای، مختلفی ارائه شده «ایقاع معلق» است که معلق علیه آن در بیمه عمر به شرط فوت، «فوت بیمه شده» و در بیمه عمر به شرط حیات، «حیات بیمه شده» و در بیمه عمر مختلط، معلق علیه آن اعم است از «فوت و حیات بیمه شده» در مدت اعتبار بیمه‌نامه. بیمه مسئولیت نیز ماهیتاً تعهد به نفع ثالث نیست بلکه متعهدله بیمه مسئولیت فقط بیمه‌گذار است هر چند ثالث (زیان دیده) از آن منتفع می‌شود. تعهد صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نیز، نوع ایقاع یا تعهد است که قدرت الزام آور خود را از قانون می‌گیرد. عقد بیمه عقدی لازم، منجز، معین، معوض، رضایی، تحمیلی، مستمر و قطعی است.

### واژگان کلیدی

ماهیت حقوقی بیمه عمر، ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت مدنی، خصوصیات عقد بیمه.

## مقدمه

بیمه یک پدیده حقوقی است. حوادثی را که قانونگذار برای تعیین شرایط ایجاد حق و تغییر و از بین رفتن آن در نظر گرفته است، «پدیده حقوقی» نامیده می‌شود. پدیده حقوقی خود به «واقعه حقوقی» و «عمل حقوقی» تقسیم می‌شود. واقعه حقوقی پدیده‌ای است که از نظر حقوقی، قطع نظر از اراده فرد آثاری بر آن مترتب باشد. مثل مرگ یا اتلاف مال غیر.<sup>(۱)</sup> عمل حقوقی پدیده‌ای است که به اراده اشخاص به وجود می‌آید و آثار حقوقی آن نیز تابع همان اراده است.<sup>(۲)</sup> عمل حقوقی ممکن است تک اراده‌ای (ایقاع) یا دو اراده‌ای (عقد) باشد.

با بیان این مقدمه آشکار شد که بیمه یک عمل حقوقی دو اراده‌ای است. عمل حقوقی دو اراده‌ای خود ممکن است حسب مورد «عقد»، «قرارداد» و یا «معامله» نامید شود. حال بیمه کدام یک از این سه است. به عقیده بعضی، قانونگذار در تشخیص این که بیمه کدام یک از عقد، معامله یا قرارداد است دچار سردرگمی و لغزش شده. به این ترتیب که در «قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷» ابتدا آن را تحت عنوان «معاملات بیمه» آورده سپس در ماده ۱ آن را «عقد» دانسته و در ماده ۳ «قرارداد»<sup>(۳)</sup>. تشخیص این که بیمه کدام یک از اینهاست تأثیری در ماهیت عملیات بیمه و روابط طرفین نخواهد داشت، با این حال بحث در این زمینه به عنوان تحلیل حقوقی و تشحیذ ذهن خالی از فایده نیست. عقد از حیث دایره شمول، دو معنی اخص و اعم دارد. در معنی اعم، عقود معین و غیر معین را در بر می‌گیرد ولی در معنی اخص منحصرأشامل عقود معین است. قرارداد نیز از حیث دایره شمول مانند عقد دارای دو معنی اعم و اخص است در معنی اعم قرارداد مترادف با عقد و در برگیرنده عقود معین و غیر معین است لکن در معنی اخص، قرارداد صرفاً عقود غیر معینی را شامل می‌شود. به همین جهت «ماده ۱۰ قانون مدنی» واژه «قرارداد» را در معنی اخص آن یعنی عقود غیر معین به کار برده است.<sup>(۴)</sup> «معامله»

۱. دکتر سید حسن صفایی؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج. ۲، تعهدات و قراردادهای، تهران: مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱، ص. ۱۷.

۲. دکتر ناصر کاتوزیان؛ قواعد عمومی قراردادها، ج. ۱، ج. ۳، تهران: انتشار و بهمن برنا، ۱۳۷۴، ص. ۱۰.

۳. تقی لطفی؛ «فرونی و کامنتی بحثی نو از حقوق مدنی سویس»، مجله کانون وکلا، ش. ۱۲۸-۱۲۹، ص. ۳۳.

۴. دکتر مهدی شهیدی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، ج. ۱، ج. ۱، تهران: حقوقدانان، ۱۳۷۷، ص. ۳۹.

از باب مفاعله و از ریشه مجرد عمل به معنی عمل کردن متقابل است و سه معنی اعم، خاص و اخص دارد. در معنی اعم عبارت است از هر عملی که محتاج به قصد قربت نباشد در مقابل عبادات که محتاج به قصد قریب است (فقه). در معنای خاص شامل عقود (مالی و غیر مالی مانند نکاح) و ایقاعات و در معنای اخص شامل عقود مالی معوض است و شامل عقد نکاح نمی‌شود.<sup>(۱)</sup>

با توجه به موارد بالا باید گفت که نظر به این که بیمه جزو عقود مالی و معوض است قانون‌گذار آن را تحت عنوان «معاملات بیمه» آورده است. یعنی درصدد بیان ماهیت مالی و معوض آن بوده است. چنان که در بند ۹ ماده ۲ «قانون تجارت» عملیات بیمه جزو معاملات تجاری آورده شده است (معامله به معنای اخص). در ماده ۱ که قانون‌گذار از «عقد بیمه» سخن گفته و در ماده ۳ آن را «قرارداد» نامیده به نظر می‌رسد که عقد و قرارداد در این دو ماده به معنای اعم خود به کار رفته است بنابراین با این تحلیل قانون‌گذار از تناقض‌گویی مصون خواهد ماند و حکم او نیز عقلایی جلوه می‌کند. پرسش دیگری که در مورد ماهیت بیمه مطرح می‌شود این است که آیا بیمه خصلت تجاری دارد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که بند ۹ از ماده ۲ «قانون تجارت» «عملیات بیمه‌ی بحری و غیر بحری» را جزو معاملات تجاری آورده است. به عبارت دیگر عملیات بیمه اعم از این که مربوط به بیمه دریایی یا غیر دریایی باشد جزو اعمال تجاری ذاتی یا ماهوی (مطلق) است.<sup>(۲)</sup> بر طبق «ماده ۳۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران» عملیات بیمه لزوماً توسط شرکت‌های سهامی عام انجام می‌گیرد و بر طبق بند ۱ ماده ۲۰ «قانون تجارت» شرکت‌های سهامی عام جزو شرکت‌های تجاری محسوب می‌شود. به علاوه بند ۴ ماده ۳ «قانون تجارت» کلیه معاملات شرکت‌های تجاری را «تجاری» می‌داند. صرف نظر از این که بیمه‌گذار تاجر باشد یا خیر. امروزه بحث از این که بیمه ماهیتاً تجاری است یا خیر فایده عملی نخواهد داشت. چرا که از حیث صلاحیت، مرجع رسیدگی به تمام دعاوی

۱. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ ترمینولوژی حقوق، ج ۶، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۶۶۴.

۲. دکتر حسن ستوده تهرانی؛ حقوق تجارت، ج ۱، ج ۱، تهران: دادگستری، ۱۳۷۴، ص ۴۳؛ دکتر بهروز اخلاقی؛ «بحث پیرامون قراردادهای حمل و نقل از دیدگاه حقوق تجارت»، مجله کانون وکلا، س ۷۲-۷۱، دوره جدید،

اعم از تجاری یا غیر تجاری دادگاه‌های عمومی است. به علاوه اگر روزگاری به سبب لزوم رسیدگی اختصاصی به دعوی تجاری تفکیک به معاملات تجاری و غیر تجاری، سودمند بود، امروز رسیدگی در تمام دادگاه‌ها اختصاصی است.<sup>(۱)</sup>

## الف) ماهیت حقوقی

### ۱. ماهیت حقوقی بیمه عمر

بیمه عمر انواع مختلفی دارد که به سه دسته کلی بیمه عمر به شرط فوت، بیمه عمر به شرط حیات و بیمه عمر مختلط تقسیم می‌شود. حسب این که شخص بیمه شده خود بیمه‌گذار باشد یا دیگری، دریافت‌کننده سرمایه بیمه‌گذار باشد یا ثالث، نوع بیمه عمر نیز تغییر می‌کند. به تبع آن ماهیت حقوقی آن نیز تفاوت خواهد داشت. در بیمه عمر پنج حالت متصور است.

- بیمه‌گذار خود را به نفع خویش بیمه‌کند: در بیمه عمر به شرط حیات توافق شود که چنانچه بیمه‌گذار بعد از ۵۰ سالگی زنده بود بیمه‌گر مبلغ معینی را به او بپردازد.

- بیمه‌گذار ثالث را به نفع خود بیمه‌کند: در بیمه عمر به شرط فوت توافق شود که اگر فرد معینی در بیمه نامه فوت کند بیمه‌گر مبلغ معینی به بیمه‌گذار بدهد.

ماهیت اعمال حقوقی بالا عبارت است از «قرارداد معوض» که عوضین آن عبارت است از پرداخت حق بیمه از جانب بیمه‌گذار و تعهد بیمه‌گر به پرداخت مبلغ معین (در صورت حصول شرایط معین) به بیمه‌گذار.

- بیمه‌گذار خود را به نفع ثالث بیمه‌کند: در بیمه عمر به شرط فوت توافق شود در صورت فوت بیمه‌گذار مبلغ معینی به همسر و فرزندان او پرداخت شود.

- بیمه‌گذار ثالث را به نفع ثالث بیمه‌کند: در بیمه عمر به شرط حیات شرط شود در صورتی که فرزند بیمه‌گذار به سن معینی برسد، مبلغ معینی به او پرداخت شود.

- بیمه‌گذار ثالث را به نفع دیگر بیمه‌کند: در بیمه عمر به شرط فوت توافق شود در صورتی که اتفاق‌کننده چند فقیر فوت کند، مبلغ معینی به صغار او پرداخت شود.

۱. دکتر ربیعا اسکینی؛ حقوق تجارت (برائت، سفته، قبض‌انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، ج ۲، تهران،

در سه حالت اخیر استفاده کننده از سرمایه بیمه، شخصی غیر از طرفین اصلی قرارداد است. سؤال این است که چگونه ممکن است شخص خارج از عقد، از آن منتفع شود؟ مگر بر طبق اصل نسبی بودن قراردادها اثر عقود محدود به عاقدان آن نیست؟ در پاسخ باید گفت: تعهد به سود ثالث از استثنای وارد بر این اصل است. بیمه عمر در پاره‌ای از صور آن نوعی تعهد به نفع ثالث (استفاده کننده) است.<sup>(۱)</sup> برای تشریح روابط حقوقی بیمه‌گذار، بیمه‌گر و استفاده کننده باید ماهیت این عمل حقوقی شناخته شود. راجع به ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث نظریات مختلفی ارائه شده است. عده‌ای آن را شبیه حواله یا وصیت دانسته‌اند و عده‌ای دیگر سعی در تحلیل آن بر اساس تعدد عقد یا عقد فضولی و یا ایقاع داشته‌اند. در زیر به بررسی نظریات مختلف راجع به ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث می‌پردازیم.

#### ۱-۱. نظریه تعدد عقد

بر طبق این نظریه ابتدا عقد بیمه عمر بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر منعقد می‌شود، سپس بیمه‌گذار طلب خود را که ناشی از این عقد است به موجب قرارداد جدیدی به ثالث (استفاده کننده) منتقل می‌کند. اگر شخص ثالث موافقت کرد، با ایجاب و قبول طرفین، قرارداد جدیدی منعقد می‌شود که طلب بیمه‌گذار را به استفاده کننده انتقال می‌دهد. دیوان کشور فرانسه در آرای اولیه خود این نظریه را در مورد بیمه عمر پذیرفت.<sup>(۲)</sup>

#### نقد نظریه

این نظریه ایراد مربوط به تجاوز اثر عقد به دیگران را از بین می‌برد ولی خود آثار نامطلوبی به بار می‌آورد.

۱. چنین تحلیلی با قصد واقعی طرفین منطبق نیست و هیچ‌گاه عقد دومی ولو به طور ضمنی با استفاده کننده منعقد نمی‌شود. چه بسا به ویژه در بیمه عمر، اصلاً ثالث تا بعد از فوت بیمه‌گذار، از وجود چنین بیمه‌ای به نفع خود مطلع نمی‌شود، چه رسد به این که طرف عقد باشد.<sup>(۳)</sup>

۱. دکتر ابوالقاسم گرجی، مقالات حقوقی، «تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی»، ج. ۱، ص. ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۲۷.

۲. دکتر همایون مشایخی، مبانی و اصول حقوقی بیمه، ج. ۲، تهران: مدرسه‌ی عالی بیمه، ۱۳۵۳، ص. ۴۱۰.

۳. دکتر امیر صادق نشاط: «غرر و شرط به نفع ثالث در بیمه‌ی عمر»، فصلنامه صنعت بیمه مرکزی، ص. ۸، ش. ۴، ص. ۳۸.

۲. برای شخص استفاده کننده حق از زمان موافقت (قبول) او به وجود می آید. بنابراین هرگاه هر یک از بیمه گذار یا استفاده کننده، قبل از قبولی فوت کند. ایجاب نیز از بین می رود و موردی برای قبول نمی ماند. در حالی که استفاده کننده اغلب بعد از فوت بیمه شده قبولی خود را اعلام می کند. به این ترتیب موالات بین ایجاب و قبول که در یک مدت معقول باید موجود باشد نیز منتفی است.<sup>(۱)</sup>

۳. بر اساس این نظریه سرمایه بیمه ابتدا وارد مالکیت بیمه گذار و سپس به موجب قرارداد جداگانه وارد مالکیت استفاده کننده می شود. این امر باعث می شود که در فاصله انتقال مالکیت سرمایه بیمه به استفاده کننده، طلبکاران بیمه گذار، در صورت اعسار یا ورشکستگی او بتوانند از محل آن، مطالبات خود را وصول کنند در صورتی که بیمه گذار فوت کند این سرمایه جزو ترکه او محسوب و به مصرف پرداخت دیون می رسد. در حالی که این امر بر خلاف فلسفه بیمه عمر است چرا که هدف بیمه گذار تأمین آتیه خود یا وراثت می باشد.

#### ۱-۲. نظریه حواله

بین بیمه عمر و حواله شباهت هایی وجود دارد. در هر دو، شخصی به غیر از طلبکار و بدهکار از آن سود می برد. در عقد حواله محیل به بدهکار خود (محال علیه) دستور می دهد که طلب را به محتال بپردازد، چنان که در بیمه عمر به نفع شخص ثالث بیمه گذار با بیمه گر توافق می کند که وجه بیمه به استفاده کننده پرداخت شود. اما شباهت ظاهری میان وضع استفاده کننده و محتال نباید باعث یکسان پنداشتن این دو عقد شود.

#### نقد نظریه

۱. عقد حواله متشکل از دو عمل حقوقی ادغام شده است که به موجب آن طلب محیل از محال علیه، به محتال منتقل می شود و به موجب توافق محتال با محال علیه، دین محیل را محال علیه به عهده می گیرد. در حالی که در بیمه عمر ذی نفع هیچ نقشی در قرارداد ندارد و توافق اصلی بین بیمه گذار و بیمه گر صورت گرفته است.<sup>(۲)</sup>

۱. دکتر سید حسن امامی؛ حقوق مدنی، ج. ۱، ۱۶، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۵، ص. ۱۸۹.

۲. دکتر ناصر کاتوزیان؛ قواعد عمومی قراردادها، ج. ۳، ۲، تهران: شرکت انتشار، ۱۳۷۶، ص. ۳۷۰.

۲. عقد حواله با دو قبول واقع می‌شود. ماده ۷۲۵ «قانون مدنی» مقرر می‌دارد: «حواله واقع نمی‌شود مگر با رضای محتال و قبول محال علیه» در حالی که در بیمه عمر به محض ایجاب و قبول بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار عقد محقق شده و تعهد بیمه‌گر نسبت به ذی نفع برقرار می‌شود.

۳. حواله وسیله پرداخت دین و یکی از ارکان حواله وجود دین است. «اگر در مورد حواله محیل مدیون محتال نباشد، احکام حواله در آن جاری نخواهد بود». درست است که در پاره‌ای از موارد بیمه عمر به نفع ثالث ممکن است وسیله ایفای دین توسط بیمه‌گذار در مقابل ثالث باشد یا بیمه‌گذار از این طریق دین خود را تضمین کند اما در بیمه عمر به نفع ثالث بیمه‌گذار لزوماً به ثالث (استفاده‌کننده) بدهکار نیست. (۱)

۴. بیمه عمر یک قرارداد خاص با احکام مستقل از عقود معینه است و مادام که ذاتاً اقتضای خاص نداشته باشد قواعد عمومی قراردادها بر آن حاکم می‌شود نه احکام عقود معین دیگر. (۲)

### ۱-۳. نظریه عقد فضولی

این نظریه را اولین بار پوتیه (۳) حقوقدان فرانسوی مطرح کرد. به موجب این نظریه بیمه‌گذار از طرف ثالث (استفاده‌کننده) با بیمه‌گر معامله را به طور فضولی انجام می‌دهد. سپس استفاده‌کننده آن را تنفیذ می‌کند. بنابراین در حقیقت متعهدله همان شخص ثالث است که به نام او قرارداد منعقد شده است. به این ترتیب تعهد به طور مستقیم برای استفاده‌کننده ایجاد می‌شود. حتی اگر استفاده‌کننده پیش از تنفیذ بمیرد، وراثت او می‌تواند عمل فضولی را تنفیذ کند. (۴)

نقد نظریه

۱. در معامله فضولی، شخص فضولی معامله را برای ثالث منعقد می‌کند و پس از انعقاد، خود کنار می‌رود و اصیل با ثالث (متعهدله) رو به رو می‌شود در حالی که در

۱. ژان لوک - اوبر؛ بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه دکتر جانعلی محمود صالحی، ج. ۱، تهران: بیمه

۲. دکترامیر صادقی نشاط؛ همان منبع، ص. ۳۹.

مرکزی ایران، ۱۳۷۲، ص. ۵۹.

3.Pothier.

۴ دکتر همایون مشایخی؛ همان منبع، ص. ۴۱۱.

بیمه عمر بیمه‌گذار عقد بیمه را به نام و به حساب خود منعقد می‌کند و نماینده ثالث نیست بلکه خود طرف قرارداد است.<sup>(۱)</sup>

۲. در معامله فضولی هزینه‌هایی که انجام گرفته به عهده شخص ثالث (متعهد له) است در حالی که در بیمه عمر بیمه‌گذار حق بیمه را می‌پردازد و قصد مطالبه آن از استفاده‌کننده را ندارد.<sup>(۲)</sup>

۳. شخص فضولی حق فسخ معامله فضولی را ندارد مگر تحت عنوان فضولی، در حالی که در بیمه عمر بیمه‌گذار می‌تواند عقد بیمه را فسخ کند یا ذی نفع را تغییر دهد.<sup>(۳)</sup>

#### ۱-۴. نظریه ایقاع

عده‌ای معتقدند با وجود آن که رابطه حقوقی بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر یک عقد است اما تعهدی که بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گذار به نفع استفاده‌کننده به عهده می‌گیرد یک ایقاع است. به این معنا که رضایت استفاده‌کننده برای ایجاد این تعهد ضروری نیست. در بین معتقدان به این نظریه از حقوقدانان فرانسوی کولن و کاپیتان تعهد بیمه‌گر در مقابل استفاده‌کننده را یک ایقاع مستقل می‌دانند.<sup>(۴)</sup> و <sup>(۵)</sup>

#### نقد نظریه

۱. درست است که تعهد بیمه‌گر در مقابل استفاده‌کننده به قبول او نیاز ندارد اما یک ایقاع مستقل نیست بلکه این ایقاع نتیجه توافق و تراضی بیمه‌گر با بیمه‌گذار است و نیروی الزام‌آور خود را از این توافق می‌گیرد.

۲. در صورتی که تعهد بیمه‌گر به پرداخت سرمایه بیمه را به استفاده‌کننده ایقاع بدانیم به معنای آن است که از زمان تحقق عقد بیمه این حق برای استفاده‌کننده ایجاد می‌شود. اما باید گفت امکان ایجاد حق به سود استفاده‌کننده با توانایی اسقاط آن ملازمه

۱. دکتر ناصر کاتوزیان؛ همان منبع، ص. ۳۹۳. ۲. دکتر سید حسن امامی؛ همان منبع، ص. ۲۵۶.

۳. دکتر همایون مشایخی؛ همان منبع، ص. ۴۱۲. ۴. همان منبع، ص. ۴۱۳.

۵. برای مطالعه نظریه‌های موافق و مخالف راجع به صحت ایقاع مستقل ر.ک.: دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ حقوق تعهدات، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۸؛ دکتر ناصر کاتوزیان؛ ایقاع، نظریه عمومی - ایقاع معین، ج. ۲، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص. ۱۲۶.



ندارد.<sup>(۱)</sup><sup>(۲)</sup> در حالی که ماده ۲۵ «قانون بیمه ۱۳۱۶» به بیمه‌گذار حق داده است که استفاده‌کننده را تغییر دهد. چه طور ممکن است حق را که برای استفاده‌کننده (ثالث) به موجب عقد بیمه ایجاد شده است، بدون رضایت او ساقط کرد و استفاده‌کننده را تغییر داد. بنابراین باید این ماهیت را طوری تحلیل کنیم که حکم قانون‌گذار منطقی جلوه کند.

#### ۱-۵. نتیجه‌گیری

با توجه به موارد بالا مشخص شد که بیمه عمر به نفع شخص ثالث موجب انتقال طلب از بیمه‌گذار به استفاده‌کننده (نظریه تعدد عقد) و یا سبب ادای دین بیمه‌گذار به استفاده‌کننده (نظریه حواله) یا عقد فضولی و یا تعهد یک طرفه بیمه‌گر در مقابل استفاده‌کننده (ایقاع) نیست.

با مذاقه در «قانون بیمه» ایران و ایراداتی که در بالا به آن اشاره شد بهتر است ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث را «ایقاع معلق» بدانیم که معلق علیه آن در بیمه عمر به شرط فوت، «فوت بیمه شده» و در بیمه عمر به شرط حیات، «حیات بیمه شده» و در بیمه عمر مختلط معلق علیه آن اعم است از «فوت و حیات بیمه شده» در مدت اعتبار بیمه‌نامه. البته باید توجه داشت که این ایقاع اثر الزام آور خود را از عقد بیمه می‌گیرد و به تنهایی منشأی تعهد نیست.

#### آثار این نظر

۱. بر طبق این نظر سرمایه بیمه که مورد تعهد بیمه‌گر است تا حصول معلق علیه<sup>(۳)</sup> وارد مالکیت استفاده‌کننده نمی‌شود. بنابراین بر طبق ماده ۲۵ «قانون بیمه ۱۳۱۶» ایران بیمه‌گذار حق دارد استفاده‌کننده در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد، یا طرفین می‌توانند

۱. دکتر ناصر کاتوزیان؛ قواعد عمومی قراردادها، ج. ۳، ص. ۴۱۱.

۲. شاید این وضعیت در ایقاع را بتوان با اعتبارات اسنادی غیر قابل برگشت مقایسه کرد. چرا که وضع در اعتبارات اسنادی غیر قابل برگشت با غیر قابل فسخ به این ترتیب است که خریدار حق ندارد بعد از ابلاغ اعتبار به ذی نفع در شرایط آن، بدون اجازه ذی نفع یا توافق با او، آن را تغییر دهد. یا باطل کند. ر.ک: دکتر بهروز

اخلاقی؛ «بحنی پیرامون اعتبارات اسنادی»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، س. ۱، ش. ۱، پاییز ۱۳۷۰، ص. ۷۱.

۳. منظور از معلق علیه عبارتست از «فوت» یا «حیات» یا «فوت و حیات» بیمه شده به ترتیب در بیمه‌های عمر به شرط فوت، به شرط حیات و مختلط.

قرارداد بیمه را اقاله کنند. در نتیجه حق (متزلزل) استفاده کننده نیز به تبع انحلال عقد از بین می‌رود.

۲. در صورتی که استفاده کننده معین شده در قرارداد قبل از فوت بیمه شده فوت کند، چون بر طبق نظریه بالا تعهد بیمه‌گر معلق به فوت بیمه شده است و سرمایه بیمه هنوز به مالکیت استفاده کننده در نیامده، بنابراین وراثت استفاده کننده معین شده نمی‌تواند آن را مطالبه کند، مگر این که در بیمه‌نامه تصریح شده باشد. البته ممکن است چنین استدلال شود که حقی که به نفع استفاده کننده معین شده در قرارداد، به صورت معلق به وجود آمده در صورت فوت او همانند سایر حقوق مالی به همان صورت موجود به ورثه او معلق می‌شود. اما باید گفت در بیمه عمر معمولاً سرمایه بیمه به صورت بی‌عوض به استفاده کننده داده می‌شود و او از این بابت مدیون بیمه‌گذار نمی‌شود. در قراردادهای بی‌عوض، قرارداد به اعتبار شخصیت طرف منعقد می‌شود.<sup>(۱)</sup> در بیمه عمر ظاهر حال این است که استفاده کننده با توجه به شخصیتش توسط بیمه‌گذار تعیین شده و اوضاع و احوال حکایت از این دارد که تعهد بیمه‌گر نسبت به شخصیت استفاده کننده است نه نسبت به دارایی او، تا در صورت فوتش این تعهد به نفع وراثت او قابل ایفا باشد.

اما در پاره‌ای از موارد ممکن است بیمه عمر به نفع ثالث برای ادای دین یا تضمین بدهکاری بیمه‌گذار به استفاده کننده باشد.<sup>(۲)</sup> در این صورت فرض این است که تعهد بیمه‌گر نسبت به دارایی استفاده کننده است نه شخص او بنابراین در صورت فوت استفاده کننده این حق با همان خصوصیات به ورثه او منتقل می‌شود.

۳. در صورت تحقق معلق علیه در بیمه عمر، تعهد بیمه‌گر حالت منجز پیدا می‌کند و در نتیجه استفاده کننده حق دارد مستقیماً به بیمه‌گر مراجعه، سرمایه بیمه مندرج در بیمه‌نامه را از او مطالبه و عنداللزوم در دادگاه صالحه اقامه دعوا کند.

۴. در صورتی که استفاده کننده حقی را که به موجب بیمه‌نامه به نفع او ایجاد شده است، رد کند باعث از بین رفتن تعهد بیمه‌گر نمی‌شود. تا زمانی که بیمه‌گذار استفاده کننده در بیمه‌نامه را تغییر نداده این حق به صورت معلق به نفع استفاده کننده وجود

۱. دکتر سیدحسین صفایی؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی (تعهدات و قراردادهای)، ج ۲، تهران: موسسه عالی

۲. ژان لوک - اوبر؛ همان منبع، ص ۵۹.

حسابداری، ۱۳۵۱، ص ۱۰۹.

دارد، چرا که تعهد بیمه‌گر ریشه در عقد دارد و مادام که به علتی از علل قانونی از بین نرود همچنان باقی است.

۵. سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که بر طبق این نظریه آیا سرمایه بیمه جزو دارایی بیمه‌گذار است یا استفاده‌کننده یا بیمه‌گر؟ فایده این پرسش این است که اگر در مالکیت بیمه‌گذار باشد طبیعتاً وثیقه دیون او در مقابل طلبکارانش خواهد بود و در صورت فوت بیمه‌گذار سرمایه بیمه مشمول قواعد ارث و وصیت خواهد بود. بنابراین اگر مازاد بر ثلث باشد منوط به اجازه ورثه است. به نظر می‌رسد که سرمایه بیمه جزو دارایی بیمه‌گذار نباشد، چرا که بر طبق مفاد بیمه‌نامه بیمه‌گر در قبال دریافت حق بیمه متعهد به پرداخت سرمایه بیمه به استفاده‌کننده می‌شود. بنابراین، این طور نیست که سرمایه بیمه جزو دارایی بیمه‌گذار باشد. این که بیمه‌گذار حق تعیین تغییر ذی نفع را دارد بیانگر این نیست که سرمایه بیمه جزو دارایی اوست. از طرف دیگر گفتیم که تا زمان حصول معلق علیه سرمایه وارد مالکیت استفاده‌کننده نمی‌شود. بنابراین نتیجه می‌گیریم که سرمایه بیمه جزو دارایی بیمه‌گر است تا از دسترس طلبکاران بیمه‌گذار دور باشد.<sup>(۱)</sup>

## ۲. ماهیت حقوقی بیمه دیه

بعد از انقلاب اسلامی با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی و مطرح شدن دیه به عنوان مجازات «جرح و قتل» و عدم شمول بیمه شخص ثالث، نسبت به مبلغ دیه‌ای که بیمه‌گذار محکوم به آن می‌شد و از طرفی بالا بودن دیه و گاهی عدم تمکن مالی ضارب موجب می‌شد که خسارت زیان دیده یا اولیای دم جبران نشود. بنابراین ناچار مجبور می‌شدند ببخشند یا تقسیط کنند. بنابه دلایل فوق مدیر عامل شرکت بیمه ایران، اولین بار در سال ۱۳۶۴ در سمینار سراسری بیمه در اصفهان طرح تازه «بیمه مسئولیت رانندگان و یا دارندگان وسایل نقلیه تا حد دیه» را مطرح کرد.<sup>(۲)</sup> هم اکنون بیمه دیه به تبع بیمه‌نامه شخص ثالث صادر می‌شود و مورد استفاده بازار بیمه ایران است.

می‌دانیم که اصولاً بیمه مسئولیت فقط ناظر به مسئولیت مدنی است و مسئولیت کیفری قابل بیمه شدن نیست، چرا که اگر مسئولیت کیفری قابل بیمه شدن باشد بر خلاف

۱. برای مرور نظر مخالف ر.ک.: دکتر امیر صادقی نشاط، همان منبع، ص. ۳۹.

۲. امیر صادق نشاط؛ «بیمه، تأمین دیه ناشی از حوادث رانندگی را به عهده می‌گیرد»، ماهنامه صنعت حمل و

اصل شخصی بودن مجازات‌ها در شریعت اسلامی است.<sup>(۱)</sup> قانون بیمه ایران نیز که موضوع بیمه را مال اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی می‌داند نامی از مسئولیت کیفری نبرده است. بنابراین باید محملی پیدا کرد تا بیمه دیه از لحاظ حقوقی قابل توجیه باشد.

مقایسه بیمه دیه با ضمان جریره

شاید بتوان بیمه دیه را با «عقد ضمان جریره»<sup>(۲)</sup> در «فقه» مقایسه کرد. عقد ضمان جریره را این طور تعریف کرده‌اند: «هر گاه کسی که با دیگری رابطه وراثت ندارد ضمن عقدی با او توافق کند که ضامن جرایم او باشد (یعنی دیه آن را بدهد) و [در عوض] پس از مردن مضمون‌له از ترکه او ارث ببرد این عقد را ضمان جریره نامند».<sup>(۳)</sup>

به دلایل زیر باید گفت که ضمان جریره با بیمه دیه قابل مقایسه نیست:

۱. ضمان جریره بین دو شخص حقیقی منعقد می‌شود در حالی که در عقد بیمه یک طرف «الزاماً»<sup>(۴)</sup> شخص حقوقی است.

۲. ضامن پس از فوت مضمون‌له تا حدی که دیه پرداخته است از مضمون‌له ارث می‌برد در حالی که در بیمه چنین نیست.

۳. در ضمان جریره شرط این است که مضمون‌له در هیچ طبقه وارث نسبی نداشته باشد چه در زمان عقد و چه پس از آن، حدوث وارث پس از عقد موجب بطلان آن می‌شود در حالی که در بیمه چنین چیزی نیست.<sup>(۵)</sup>

۴. بند (و) قطعنامه کنفرانس فقه اسلامی مقایسه بیمه با ضمان جریره را صحیح نمی‌داند و معتقد است که ضمان جریره برای ایجاد برادری و تعاون و کمک به دیگران در ایام تنگدستی و وقوع حادثه بوده است در حالی که بیمه صرفاً جنبه مادی و سود جو یا نه برای بیمه‌گران دارد.<sup>(۶)</sup>

۱. دکتر ایرج گلدوزیان؛ حقوق جزای عمومی، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص. ۶۴.

۲. جریره در لغت به معنای گناه و جنایت است.

۳. دکتر محمدجعفر جمفری لنگرودی؛ همان منبع، ص. ۷۷۵.

۴. ر.ک.: م. ۳۱ «قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران» و همچنین م. ۵۸۳ «قانون تجارت».

۵. دکتر محمدجعفر جمفری لنگرودی؛ همانجا.

۶. توفیق عرفانی؛ قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، ج. ۱، تهران: انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۱، ص. ۲۱۷.

۵. از لحاظ تاریخی ضمان جریره بین افراد عرب با عجمی (غیر عرب) بی نسبت که فاقد عاقله بودند بسته می شد و هدف آن جنبه تعاونی و نصرت افراد بی پناه بود.<sup>(۱)</sup> بنابه موارد بالا مشاهده می شود که بین ضمان جریره با بیمه دیه فقط مشابهت صوری وجود دارد و حقوقدان کسی نیست که به صرف شباهت صوری و صرف نظر از تاریخ فلسفه حقوق به پدیده های حقوقی پردازد.<sup>(۲)</sup>

#### بررسی ماهیت حقوقی دیه

به نظر می رسد که تطابق یا عدم تطابق بیمه دیه با موازین حقوقی بسته به این است که ماهیت دیه را چگونه تحلیل کنیم. راجع به ماهیت حقوقی دیه بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظر ناشی از آن است «که آیا دیه صرفاً مجازات است یا جبران خسارت»، «اگر دیه در شمار کیفرهاست چرا به ولی دم داده می شود و چگونه است که گاه بیت المال عهده دار آن است؟ اگر هدف از تشریح آن جبران زیان ناشی از جرم است، چگونه است که ویژه جرح و قتل شده و در سایر جرایم از آن استفاده نمی شود؟ چرا میزان آن ثابت است و رابطه ای با میزان واقعی خسارت در هر مورد ندارد؟ و چرا در زمره جرایم آمده است»؟<sup>(۳)</sup> قانون گذار نیز با این اختلافات هم داستان شده و در ماده ۱۰ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۲۱ مهر ۱۳۶۱ چنین مقرر داشت: «دیات جزایی مالی است که از طرف طرف شارع برای جرم تعیین شده است». هنوز یک دهه از تصویب این قانون نگذشته بود که نظر قانون گذار برگشت و در ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی چنین اظهار عقیده کرد: «دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است». برای درک بهتر ماهیت حقوقی دیه به ذکر نظرهای مختلف و ایرادات وارده به آنها می پردازیم.

#### ۱-۲. نظریه مجازات بودن دیه

گروهی از پژوهشگران معاصر دیه را «کیفر جنایی» می دانند<sup>(۴)</sup> که جانی ملزم به پرداخت

۱. سید محمد خامنه ای؛ بیمه در حقوق اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اسفند (۹)، ص. ۱۶۲.

۲. همانجا.

۳. دکتر ناصر کاتوزیان؛ الزام های خارج از قرارداد، ج. ۱، چ. ۱۷، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص. ۵۹.

۴. دکتر عوض احمد ادیسی؛ دیه، ترجمه دکتر علی رضا فیضی، ج. ۲، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷،

آن به مجنی علیه یا اولیای دم اوست. بنابراین نظر، هدف قانون‌گذار از تشریح دیه مجازات مجرم یا تنبیه خود او و متنبه کردن دیگران است تا پس از آن کسی جرئت دست زدن به چنین جرایمی را نداشته باشد.<sup>(۱)</sup> در تعریف بیمه اشعار می‌دارند: «بیمه عبارت است از کیفر مالی معین شرعی و حق اولیای دم است».<sup>(۲)</sup> البته در میان طرفداران این نظر عده‌ای به اصلی بودن کیفر دیه نظر دارند و عده‌ای به بدلی بودن آن. ولی به هر صورت در کیفر بودن آن اتفاق نظر دارند.<sup>(۳)</sup> شورای عالی قضایی در نظریه مشورتی مورخه ۱۳۶۳/۴/۲۵ چنین اظهار داشته است: «برابر ماده ۷ قانون مجازات اسلامی دیه مجازات است». به استناد همین نظر عده‌ای از نویسندگان دیه را صرفاً مجازات دانسته و معتقدند که شرکت‌های بیمه نمی‌توانند این گونه مجازات‌ها را تحت پوشش بیمه قرار دهند.<sup>(۴)</sup>

#### نقد نظریه

الف) اگر دیه مجازات است چرا به زیان دیده پرداخت می‌شود و حق عفو به زیان دیده داده شده است.<sup>(۵)</sup>

ب) اگر دیه جزو مجازات‌هاست نباید قابل انتقال به ورثه باشد. در حالی که شعبه سوم دیوان عالی کشور در دادنامه ۳/۵۵۴ مورخه ۷۰/۱۰/۲۲ چنین اظهار نظر می‌کند: «دیه جزو مجازات‌های احصا شده و مجازات قابل انتقال به ورثه نمی‌باشد ولی نظر به این که دیه به خاطر جبران ضرر و زیان ناشی از جرم از طرف شارع مقدس اعتبار و مورد امضا قرار گرفته است و منحصرأ به متضرر از جرم داده می‌شود ظهور در مسئولیت مالی نیز دارد و به نظر می‌رسد با توجه به این که قابل انتقال به بیت‌المال نیست در صورت

۱. فاضل صالحی؛ دیه یا مجازات مالی، ویرایش دوم، ج. ۳، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص. ۴۶.

۲. دکتر عوض احمد ادیسی؛ همان منبع، ص. ۳۳۹. ۳. همانجا.

۴. فرهاد ممزی؛ «بررسی اجمالی ماهیت حقوقی بیمه دیه»، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، س. ۵، ش. ۱، ص. ۸.

۵. دکتر ناصر کانون‌زبان؛ «ماهیت و قلمرو دیه - زیان ناشی از جرم»، مجله کانون وکلا، س. ۷۲-۱۳۷۱، دوره

فوت متضرر از جرم قائم مقام قانونی او مجاز به مطالبه آن از مرتکب ... باشد...»<sup>(۱)</sup>.  
در این رأی شعبه سوم دیوان عالی در عین حال که دیه را جزو مجازات‌ها می‌داند بر جنبه غرامتی بودن آن نیز تأکید دارد که موجب حق مالی برای زیان دیده و قائم مقام اوست.

پ) بر طبق تعریف ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون بر آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود». بنابراین اگر «دیه» را صرفاً مجازات بدانیم نتیجه منطقی آن این است که هر فعل یا ترک فعلی که برای آن دیه مقرر شده باشد جرم است، در حالی که برخی از اعمال ممکن است از نظر قانون جرم محسوب نشود<sup>(۲)</sup> مانند حوادث ناشی از عملیات ورزشی و عمل جراحی و تأدیب کودکان ولی مشمول پرداخت دیه شود.<sup>(۳)</sup>

ت) اگر دیه صرفاً مجازات باشد چگونه است که در پاره‌ای از موارد<sup>(۴)</sup> پرداخت آن به عهده عاقله است. مگر نه این است که بر اساس اصل شخصی بودن مجازات هر کس فقط مسئول کارهای خویش است و کسی مسئول کارهای دیگری نیست<sup>(۵)</sup>.

ث) اگر دیه فقط مجازات باشد زیان دیده می‌تواند هم دیه را بگیرد و هم زیان ناشی از جرم را که این خلاف اصل جبران خسارت در مسئولیت مدنی است چرا که هدف از مسئولیت مدنی بازگرداندن وضع زیان دیده به حالت قبل از وقوع زیان است.<sup>(۶)</sup>  
۲-۲. نظریه جبران خسارت بودن دیه

گروهی دیگر از پژوهشگران دیه را ضمان مالی می‌دانند که پرداخت آن حسب مورد به عهده جانی یا عاقله است و در صورت نبودن آنها می‌توان حکم را در مورد اموال او اجرا و خسارت وارده به مجنی علیه را با اموال او جبران کرد.<sup>(۷)</sup> این گروه معتقدند: «دیه

۱. یداه بازگیر؛ موازین حقوقی تجارت در آراء دیوان عالی کشور، ج ۱، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۳۶۶.

۲. رک: م. ۵۹ «قانون مدنی ایران».

۳. دکتر عباس زراعت؛ شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات، ج ۲، ج ۱، تهران: ققنوس، ۱۳۷۸، ص ۳۳.

۴. رک: م ۳۵ قانون مدنی ایران. ۵. ولانترز و آزره و زراخری، فاطر، ۱۸/۳۵.

۶. دکتر ناصر کاتوزیان؛ همان منبع، ص ۲۸۷. ۷. فاضل صالحی؛ همانجا.

ضمان خالص است و از کیفر چیزی در آن نیست، زیرا دیه به عنوان کیفر جرم واجب نشده بلکه به عنوان عوض از ضرر است اگر چه سبب آن چیزی باشد غیر از جرم... دیه، مالی است که جانی و عاقله او در ذمه خود بدان ملتزم می شوند، و کیفر نیست که به نفس یا بدن جانی برخورد داشته باشد، چنانچه اصل در کیفر چنین است. از مال دیه چیزی به دولت نمی رسد بلکه فقط به مجنی علیه و ورثه او تعلق دارد و حق دولت منحصر می شود در کیفر تعزیر، اگر جرمی ارتکاب شده باشد که موجب آن شود<sup>(۱)</sup> و در این صورت جانی به کیفر گرفته می شود خواه دیه را پرداخته باشد یا از آن تبرئه شده باشد.<sup>(۲)</sup> عده ای نیز دیه را مبلغ مقطوع برای جبران خسارت می دانند و صدور حکم زاید بر دیه ولو به میزان هزینه های درمانی متعارف را خلاف موازین فقهی قلمداد می کنند.<sup>(۳)</sup>

#### نقد نظریه

اگر نظر بالا را بپذیریم بیمه دیه صحیح است. ولی پذیرفتن این نظر خالی از اشکال نیست:

(الف) ماده ۱۲ «قانون مدنی ایران» دیه را در شمار کیفرها آورده است. اگر دیه را صرفاً جبران خسارت بدانیم نتیجه منطقی آن این است که با قصاص و حدود قابل جمع باشد در حالی که اختلاط مجازات ها امکان پذیر نیست.<sup>(۴)</sup>

(ب) اگر دیه تنها ابزار جبران خسارت بود، می بایستی قاتل مجازات قصاص را تحمل و با دادن دیه نیز ضرر ناشی از کار خود را جبران می کرد، ولی قانون گذار دیه را کفه متقابل قصاص قرار داده و به شاکی اجازه داده است که یکی از آن دو را انتخاب کند.<sup>(۵)</sup>

۱. ر.ک.: ماده ۶۱۲ قانون مدنی ایران.

۲. حسین توفیق رضا؛ اهلیت العقوبه فی الشریعه و القانون المقارن، ص. ۱۵ - ۱۴؛ به نقل از دکتر عوض احمد ادریس؛ همان منبع، ص. ۲۴۱.

۳. اسکندر محمدپور؛ تحلیل قضایی از قوانین جزایی، ج. ۱، ج. ۲، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶، ص. ۵۲.

۴. دکتر ناصر کاتوزیان؛ «ماهیت و قلمرو دیه - زیان ناشی از جرم»، ص. ۲۷۸.

۵. همانجا.



## ۲-۳. نظریه ماهیت دوگانه

بعضی از استادان حقوق، به حق، معتقدند: دیه جزایی است که بین کیفر و جبران خسارت دور می‌زند. بنابراین، دیه از یک جهت شبیه مجازات است و از جهت دیگر شبیه جبران خسارت. شبیه مجازات است، زیرا در دیه زجر است از برای جانی به علت آن که او را محرم کرده‌اند از بخشی از اموال خود و شبیه جبران خسارت است زیرا هدف دیه جبران ضرری است که از جرم، بر زیان دیده وارد شده است و در عین حال دیه با این هر دو (کیفر و جبران خسارت) اختلاف بسیار دارد.<sup>(۱)</sup>

حکمت تعیین مقدار مقطوع و نوعی آن این است که مجازات مرتکب، به گونه‌ای قاطع معین می‌شود. چرا که کیفر جرم را نمی‌توان به نظر دادرس واگذار و یا تابع اوضاع و احوال کرد. بنابراین مبلغ مقطوع بیانگر فرض حداقل میزان ضرر است. نسبت به زیان مازاد بر دیه نیز براساس قواعد لاضرر و مسئولیت مدنی و آیین دادرسی کیفری می‌توان حکم به جبران خسارت داد.<sup>(۲)</sup>

## ۲-۴. نتیجه‌گیری

گفتیم که دیه ماهیت دوگانه دارد. برای جانی مجازات است و برای زیان دیده جبران خسارت. اگر قایل به عدم صحت بیمه دیه شویم باعث می‌شود که در عمل مشکلات زیادی برای دادگاه‌ها، جانی و زیان دیده بروز کند. بنابراین باید مسئله را طوری تحلیل کنیم که به صحت «بیمه دیه» بینجامد.

درست است که پرداخت دیه از طرف جانی باعث مجازات و تنبیه او و موجب می‌شود که مقداری از اموال خود را به زیان دیده بدهد، اما از جانب زیان دیده یا اولیای دم جنبه جبران خسارت دارد. بنابراین اگر به موجب یک قرارداد بیمه دیه، بیمه‌گر متعهد شود که مبلغ دیه‌ای را که بیمه‌گذار به موجب حکم دادگاه محکوم می‌شود بپردازد در حقیقت چیزی جز این نیست که جبران خسارت زیان دیده یا اولیای دم را به عهده گرفته

۱. احمد فتحی بهنسی؛ «دیه فی الشریعه الاسلامیه»، ص. ۱۵؛ العتوبه فی فقه الاسلامی، ص. ۴۱؛ به نقل از؛ دکتر

۲. دکتر ناصر کاتوزیان؛ همان منبع، ص. ۲۹۰.

عوض احمد ادريس؛ همان منبع، ص. ۳۴۵.

است.<sup>(۱)</sup> البته ممکن است ایراد شود که پس جنبه مجازاتی بودن دیه و تنبیه مجرم یا تنبیه جامعه چه می‌شود. در پاسخ باید گفت: هدف از بیمه دیه، صرفاً حمایت از زیان دیده یا اولیای دم است، چرا که ممکن است جانی (بیمه‌گذار) معسر باشد. در نتیجه توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد. در این صورت زیان اولیای دم و زیان دیده جبران نشده باقی می‌ماند. ماده ۶۱۶ قانون مدنی ایران برای دفاع از حقوق جامعه و مجازات جانی، در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی باشد، او را به حبس تعزیری از یک تا سه سال و پرداخت دیه محکوم کرده است. بنابراین بیمه دیه منافاتی با مجازات مجرم ندارد.

### ۳. ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت مدنی و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

اصولاً انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از فعالیت است و بر اثر فعالیت‌های روزمره امکان دارد خسارت‌هایی به طور ناخواسته به دیگران وارد کند و قانوناً ملزم به جبران خسارت وارده به دیگران است. اصولاً هرکس به دیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند، مگر در مواردی که اضرار به غیر به حکم قانون باشد یا ضرری که به شخصی وارد آمده ناروا و نامتعارف جلوه نکند، به عبارت دیگر در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت وارده به دیگری باشد می‌گویند مسئولیت مدنی دارد.<sup>(۲)</sup>

### ۱-۳. ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت مدنی

بیمه مسئولیت مدنی قراردادی است که بر اساس آن یک طرف (بیمه‌گر) به ازای دریافت وجهی که حق بیمه نامیده می‌شود تعهد می‌کند در صورتی که بیمه‌گذار بر اثر فعل یا ترک فعل خود یا اشیایی که حفاظت آن به عهده اوست خسارتی به دیگران وارد آورد که قانوناً ملزم به جبران آن باشد، برای پرداخت آن اقدام کند. بنابراین در بیمه مسئولیت مدنی بیمه‌گذار برای خسارت‌هایی که به اشخاص ثالث وارد می‌آورد اقدام به انعقاد عقد

۱. یعنی در حقیقت نوعی «تعهد به نفع ثالث» است که بیمه‌گر متعهد می‌شود در صورت بروز حادثه زیانبار و صدور دادگاه دایر بر محکومیت بیمه‌گذار به پرداخت دیه، مبلغ دیه را به زیان دیده یا اولیای دم بپردازد و از این طریق ضرر آنها را جبران کند.

۲. دکتر ناصر کاتوزیان؛ وقایع حقوقی، ج ۲، تهران: بلد، ۱۳۷۴، ص ۵.

بیمه می‌کند. در واقع ذی نفع نهایی در بیمه مسئولیت مدنی، زیان دیده است. پس شاید بتوان گفت که بیمه مسئولیت مدنی نیز نوعی تعهد به نفع ثالث است. حق اقامه دعوای مستقیم زیان دیده علیه بیمه‌گر نیز توجیه‌کننده این نظر است.<sup>(۱)</sup> همچنان که رویه قضایی فرانسه نیز این حق را به رسمیت شناخته است<sup>(۲)</sup> و ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری شخص ثالث نیز به آن اذعان دارد.

اما چنان که گفتیم بیمه مسئولیت جزو بیمه‌های اموال است. صرف ورود ضرر از ناحیه بیمه‌گذار به ثالث، موجب پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر نمی‌شود بلکه ادعای زیان یا درخواست غرامت از طرف متضرر و اثبات رابطه علیت مستقیم بین وقوع حادثه و خسارت وارده، عامل تشکیل دهنده خسارت است. به همین جهت در ماده ۵۰ قانون بیمه ۱۹۳۰ فرانسه آمده است: «بیمه‌گر در مورد بیمه مسئولیت مدنی متعهد نیست مگر آن که متعاقب وقوع حادثه پیش‌بینی شده در قرارداد بیمه ادعای غرامتی از طرف شخص زیان دیده علیه بیمه‌گذار صورت گیرد»<sup>(۳)</sup>. بنابراین شرکت بیمه مستقیماً خسارت زیان دیده (که در قرارداد بیمه شرکت نداشته) را نمی‌پردازد بلکه به قائم مقامی از بیمه‌گذار اقدام به پرداخت خسارت می‌کند و این امر درست همانند آن است که بیمه‌گذار، خود اقدام به پرداخت کرده باشد.<sup>(۴)</sup> به همین دلیل در بیمه مسئولیت، بیمه‌گر جبران خسارت اشخاص ثالث را تعهد نمی‌کند بلکه بدهی احتمالی بیمه‌گذار را که در مقابل اشخاص ثالث (زیان دیده) مسئول شناخته می‌شود و باید از اموال و دارایی خود بپردازد، تعهد می‌کند. به همین دلیل بیمه مسئولیت جزو بیمه‌های اموال است.<sup>(۵)</sup>

با توجه به مطالب بالا باید گفت که بیمه مسئولیت ماهیتاً تعهد به نفع ثالث نیست.

۱. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ دایرةالمعارف حقوقی مدنی و تجارت، ج. ۱، چ. ۱، تهران: مشعل آزادی، ۲۵۳۷، ص. ۶۷۵.

۲. روزه-بو؛ حقوق بیمه، ترجمه دکتر محمد حیاتی، ج. ۱، تهران: بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۳، ص. ۷۲.

۳. دکتر جاننملی محمود صالحی؛ حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۱۶.

۴. نوفیق عرفانی؛ همان منبع، ص. ۲۳۳.

۵. آبت کریمی؛ بیمه اموال و مسئولیت، ج. ۱، چ. ۲، تهران: دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۷۷، ص. ۲۹۷.

بلکه متعهدله در بیمه مسئولیت فقط بیمه‌گذار است، هر چند ثالث (زیان دیده) از آن منتفع می‌شود.

### ۳-۲. ماهیت حقوقی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی

در بین بیمه‌های مسئولیت مدنی، بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی اهمیت به سزایی دارد. قانون‌گذار به جهت حمایت از حقوق زیان دیدگان این بیمه را اجباری کرده است و حتی پذیرفته است که زیان دیده به جای مراجعه به مورد حادثه مستقیماً به بیمه‌گر مراجعه کند.<sup>(۱)</sup> اما ممکن است در پاره‌ای از موارد زیان دیده حق مراجعه به بیمه‌گر را نداشته باشد. برای مثال وسیله نقلیه بیمه نباشد یا بیمه بوده ولی بنابه دلایلی بیمه‌نامه باطل شده است، یا مسئول حادثه فرار کرده، یا بیمه‌گر ورشکسته شده باشد یا... در چنین مواردی ممکن است زیان دیده بدون پوشش بماند و منطقی هم نیست که مؤسسات بیمه خسارت‌هایی را که در تعهد ندارند بپردازند. به همین جهت قانون‌گذار در قانون بیمه اجباری شخص ثالث یک نهاد حمایتی تکمیلی را تحت عنوان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی»<sup>(۲)</sup> به وجود آورد که بر اساس آن زیان دیده‌ای که نتوانسته است خسارت بدنی خود را از بیمه‌گر مطالبه کند یا اصولاً بیمه‌گر و بیمه‌گذاری وجود ندارد می‌تواند به صندوق مراجعه و به صرف اثبات این که صدمات از ناحیه یک وسیله نقلیه موتوری زمینی بوده صندوق باید اقدام به جبران خسارت کند.<sup>(۳)</sup> اما باید گفت رابطه بین صندوق و زیان دیده مصدوم چه ماهیتی دارد. مسلم است در اکثر مواردی که صندوق ملزم به جبران خسارت است اصلاً قرارداد بیمه‌ای وجود نداشته یا وجود داشته و مدت آن منقضی شده یا باطل شده است. بنابراین نمی‌توان استدلال کرد که رابطه حقوقی به نفع شخص ثالث زیان دیده به وجود آمده تا بر پایه آن از صندوق ادعای خسارت کند. عده‌ای معتقدند که تعهد صندوق به جبران خسارت‌های بدنی

۱. دکتر ایرج علی آبادی؛ «قانون بیمه مسئولیت ثالث و صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» فصلنامه بیمه

مرکزی، س. ۲، ش. ۲، ص. ۱۹.

۲. دکتر محمود جانعلی محمود صالحی؛ فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی، ج. ۱، تهران: سازمان صنایع ملی

۳. دکتر ایرج علی آبادی؛ همان منبع، ص. ۸.

ایران، ۱۳۶۷، ص. ۲۱۴.

مصدومان و وسایل نقلیه موتوری زمینی گونه‌ای ایقاع است که به موجب آن در مقابل همه زیان دیدگان از حوادث و وسایل نقلیه موتوری زمینی که به یکی از دلایل مذکور در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری شخص ثالث نتواند از بیمه‌گران یا دیگر مراجع تأمین، خسارت خود را بگیرد، متمهد و مکلف به جبران خسارت است.<sup>(۱)</sup> اما باید گفت که تعهد صندوق نوعی ایقاع یا تعهد یک طرفه است که قدرت الزام آور خود را از قانون می‌گیرد.

### ب) خصوصیات عقد بیمه

عقود مختلف هر کدام خصوصیات خاص خود را دارند به نحوی که این خصوصیات در شناخت احکام و آثار حقوقی حاکم بر آن مؤثر است. در این بخش سعی شده است که خصوصیات عقد بیمه از جنبه‌های مختلف بررسی و تحلیل شود.<sup>(۲)</sup>

#### ۱. از حیث دوام (لازم، جایز و خیاری)

اصولاً عقد یک ماهیت اعتباری و محصول اراده طرفین است. بنابراین مدت زمان بقای موجودیت قرارداد در عالم اعتبار ممکن است از عقدی به عقد دیگر متفاوت باشد. به همین جهت عقود از حیث دوام در عالم اعتبار به لازم، جایز و خیاری منقسم می‌شوند. عقد لازم، جز در موارد استثنایی قابل فسخ نیست، پس از تشکیل منحل نمی‌شود و هر یک از طرفین در مقابل دیگری به مفاد آن ملزم است. با فوت یا جنون یا سَفَه طرفین یا یکی از ایشان منفسخ نمی‌شود. در مقابل، عقد جایز، همواره قابل فسخ است و با فوت یا جنون یا سَفَه (در مواردی که رشد معتبر است) منفسخ می‌شود. عقد خیاری، عقد لازمی است که در آن برای یکی از دو طرف یا هر دو یا شخص ثالث حق فسخ شرط شده باشد.

قانون‌گذار در مورد پاره‌ای از عقود، به لازم یا جایز بودن آن تصریح کرده است. برای مثال، مضاربه، جماله و دیعه را جایز<sup>(۳)</sup> و مزارعه، مساقات و صلح را لازم دانسته

۱. دکتر جانعلی محمود صالحی؛ حقوق زیان دیدگان و بیمه‌ی شخص ثالث، ص. ۱۸۴.

۲. نحوه تقسیم‌بندی مباحث این بخش از مبحث سوم فصل اول کتاب «تشکیل قراردادها و تعهدات» تألیف

دکتر مهدی شهیدی الهام گرفته شده است. ۳. ر.ک.: مواد ۵۵۰ و ۵۶۵ و ۶۱۱ ق.م.

است.<sup>(۱)</sup> اما در پاره‌ای از موارد سکوت کرده است. از جمله این موارد عقد بیمه است که قانون‌گذار تصریح کرده که لازم است یا جایز. در این گونه موارد باید به اصول حقوقی مراجعه کرد. در باب عقود اصل اولیه لزوم است و نتیجه این اصل آن است که اگر در لازم یا جایز بودن عقدی شک کردیم، اصل اولی لزوم آن است، مگر دلیل به خصوصی حکایت از جایز بودن آن کند.<sup>(۲)</sup> بر طبق این اصل اگر شرایط عمومی و اختصاصی<sup>(۳)</sup> صحت معاملات در عقد بیمه موجود باشد بیمه عقدی لازم است. یعنی بیمه‌گر و بیمه‌گذار حق بر هم زدن آن را ندارند. هرگاه یکی از طرفین از تعهد خود سرپیچی کند، به تقاضای طرف دیگر، مرجع قضایی صالح، او را ملزم به اجرای تعهد می‌کند.

به علاوه دلیل دیگری که حکایت از لزوم عقد بیمه می‌کند این است که قانون‌گذار در موارد ۱۳ و ۱۶ قانون بیمه ۱۳۱۶ تحت شرایطی خیار فسخ را برای بیمه‌گر در نظر گرفته و در ماده ۱۷ همان قانون برای ورثه یا منتقل‌الیه و بیمه‌گر خیار فسخ قایل شده است. این خود بیانگر آن است که بیمه عقدی لازم است چرا که اگر جایز بود نیازی به پیش‌بینی حق فسخ برای طرفین نبود بلکه هر یک از بیمه‌گذار و بیمه‌گر هر وقت اراده می‌کرد می‌توانست عقد را فسخ کند. به همین جهت در بالا گفته شد: «عقد خیاری عقد لازمی است...» نتیجه لزوم عقد بیمه این است که بیمه‌گر در صورت تحقق خطر مورد بیمه، ملزم به جبران خسارت (تا سقف تعیین شده در بیمه‌نامه) و بیمه‌گذار نیز ملزم به پرداخت حق بیمه است. هر یک از طرفین که از تعهد خود استنکاف کند طرف مقابل می‌تواند از طریق مراجع قضایی الزام او را به ایفای تعهد بخواهد.

فقط در بیمه عمر، پرداخت حق بیمه از طرف بیمه‌گذار اجباری نیست و بیمه‌گذار هر وقت بخواهد می‌تواند از پرداخت حق بیمه خودداری کند. زیرا این حق به بیمه‌گذار داده شده است که باز خرید بیمه را تقاضا کند یا به علت نپرداختن حق بیمه، آن را به سرمایه

۱. ر.ک.: مواد ۵۲۵ و ۵۴۵ و ۷۶۰ ق.م.

۲. سید محمد موسوی بجنوردی؛ قواعد فقهیه، ج. ۲، تهران: مبعاد، ۱۳۷۲، ص. ۲۴۳.

۳. منظور از شرایط اختصاصی در عقد بیمه، شرایطی است که صرف نظر از شرایط عمومی صحت معاملات

برای صحت عقد بیمه ضروری است مثل نفع بیمه‌ای، رضایت بیمه‌شده در بیمه حوادث جسمانی و...

مخفف تبدیل کند (مشروط به این که دارای ذخیره‌ی ریاضی باشد). از طرف دیگر ایفای تعهد بیمه‌گر در صورت تحقق خطر مورد بیمه اجباری است به عبارت دیگر بیمه‌گر عمر از طرف بیمه‌گذار جایز و از طرف بیمه‌گر لازم است.<sup>(۱)</sup>

## ۲. از حیث تنجیز (منجّز و معلق)

تعلیق به معنی وابسته و منوط کردن امری به امر غیر قطعی دیگر و تنجیز ضد آن و به معنی قطعی کردن امری آمده است. عقد وابسته به واقعه محتمل را عقد معلق و عقد غیر وابسته را عقد منجّز گویند. «تعلیق» اقسام مختلف دارد. تعلیق ممکن است در «انشا»، «منشأ» و یا در «اثر» باشد. گفتیم که: «عقد یک ماهیت اعتباری است که محصول اراده طرفین است». حرکت اراده در جهت ایجاد عقد را «انشای عقد» و به آنچه به وسیله اراده انشا می‌شود، منشأ گویند. بنابراین منشأ همان ماهیت حقوقی است که در عالم اعتبار ساخته می‌شود. حال با این تعریف، معنی و تفاوت تعلیق در انشا و منشأ و تعلیق در اثر معلوم می‌شود. تعلیق در انشای عقد یعنی وابسته و معلق کردن تشکیل عقد به امری دیگر. در صورتی که تعلیق در منشأ به معنی وابسته و معلق کردن تحقق ماهیت عقد انشا شده در عالم اعتبار، به امر دیگری است و تعلیق در اثر نیز به مفهوم وابسته کردن جریان اثر حقوقی عقد به امر دیگری است.<sup>(۲)</sup> در عقد بیمه تعهد بیمه‌گذار به پرداخت حق بیمه به صورت منجّز است اما تعهد بیمه‌گر به جبران خسارت معلق به تحقق خطر مورد بیمه است. اگر پیشامدی که مورد تعهد بیمه‌گر است در مدت زمان اعتبار قرارداد بیمه روی ندهد، بیمه‌گر تکلیفی ندارد و حق بیمه هم قابل استرداد نخواهد بود. بنابراین عقد بیمه از جانب بیمه‌گذار منجّز و از جانب بیمه‌گر معلق است. سؤال این است که این تعلیق کدام یک از اقسام تعلیق مذکور در بالاست. آیا تعلیق در انشاست یا منشأ (ماهیت) یا اثر؟

مسلماً تعلیق در عقد بیمه، تعلیق در انشا (ایجاد کردن) نیست. این امر را از تحلیل مفاد تراضی طرفین می‌توان استنباط کرد. چرا که طرفین، توافق به انعقاد عقدی می‌کنند که به

۱. هادی دستباز؛ همان منبع، ص. ۵۹؛ آبت کریمی؛ کلیات بیمه، ص. ۵۲؛ توفیق عرفانی؛ همان منبع، ص. ۲۲۲.

۲. دکتر مهدوی شهیدی؛ همان منبع، ص. ۶۷.

موجب آن بیمه‌گذار متعهد به پرداخت حق بیمه و بیمه‌گر متعهد به جبران خسارت احتمالی است. به علاوه تعلیق در انشا موجب بطلان عقد است. شاید به نظر برسد که تعلیق تعهد بیمه‌گر نوعی تعلیق در منشا (ماهیت اعتباری) است. به این معنا که اراده بیمه‌گر در متعهد شدن منجز است اما ایفای تعهد پرداخت خسارت یا سرمایه بیمه (در بیمه عمر) موکول به تحقق خطر مورد بیمه است. اگر این نظر را بپذیریم چون عقد بیمه یک عقد معوض است طبیعتاً باید عوضین آن معلوم باشد. در حالی که ایفای تعهد بیمه‌گر و میزان آن معلوم و مشخص نیست. بنابراین معلوم بودن که یکی از شرایط اساسی صحت معاملات است در این جا وجود نخواهد داشت و این عقد را باطل می‌کند. به نظر می‌رسد که تعلق از جانب بیمه‌گر، تعلیق در اثر باشد. به این معنا که ماهیت بیمه ایجاد «تأمین» توسط بیمه‌گر در مقابل پرداخت عوض آن (حق بیمه) است<sup>(۱)</sup> و اثر این ماهیت (تأمین) جبران خسارت توسط بیمه‌گر خواهد بود که طبیعتاً این اثر معلق به تحقق پیشامد مورد بیمه است.

### ۳. از حیث تاریخ حقوق یا جایگاه قانونی (معین و غیر معین)

در قدیم عده‌ای از فقها عقیده داشته اند که معاملات باید عنوان معهود فقهی داشته باشد بنابراین هر توافقی را که خارج از عناوینی فقهی بود باطل و نامشروع می‌دانستند مگر این که به صورت شرط، در ضمن یکی از این عقود آورده شود. اما فقهای متأخر از این اندیشه گزاف دست کشیدند و با این استدلال که «هیچ دلیلی بر بطلان معاملات غیر معین نیست» و با تمسک به عموم «افو ابالعقود» به اصل حاکمیت اراده روی آوردند.<sup>(۲)</sup> بنابراین از حیث تاریخ حقوقی و جایگاه قانونی، عقود به معین و غیر معین (بی نام) تقسیم می‌شوند. عقود معین «عقودی است که در قانون، نام خاص دارد و قانون‌گذار شرایط انعقاد و آثار آن را معین کرده است مانند بیع و اجاره و...»<sup>(۳)</sup> برعکس، عقود که در قانون عنوان و صورت خاصی ندارد و شرایط و آثار آن بر طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل حاکمیت اراده تعیین می‌شود عقود بی نام یا غیر معین است.<sup>(۴)</sup>

۱. مرتضی مطهری؛ بررسی فقهی مسأله بیمه، تهران: میقات، ۱۳۶۱، ص. ۲۷.

۲. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ حقوق تعهدات، ص. ۱۲۲، مرتضی مطهری؛ همان منبع، ص. ۱۷.

۳. دکتر ناصر کاتوزیان؛ قواعد عمومی قراردادها، ج. ۱، ص. ۹۵.

۴. همانجا.



فایده این تقسیم بندی در این است که اگر عقد بیمه جزو عقود معین باشد، دادگاه در تفسیر بیمه نامه، در صورت سکوت طرفین نسبت به نتیجه یا اثری از عقد، از مقررات تکمیلی قانون، که برای آن عقد مقرر شده است استفاده می کند و اگر عقد بیمه جزو عقود غیر معین باشد، تفسیر قرارداد، در موارد سکوت طرفین، ظریف تر است.

به نظر می رسد که تا قبل از تصویب قانون بیمه ۱۳۱۶ عقد بیمه جزو عقود غیر معین بود اما با تصویب این قانون، عقد بیمه احکام و شرایط و آثار مخصوص به خود را پیدا کرده و در ردیف عقود معین قرار گرفته است.

#### ۴. از حیث وحدت و تعدد موضوع ( معوض و غیر معوض )

عقد معوض همان طور که از نام آن پیداست، عقدی است که دو مورد دارد که هر یک از آن دو، در عوض مورد دیگر قرار دارد. این دو مورد ممکن است هر دو مال یا هر دو تعهد و یا یکی مال و دیگری تعهد باشد. بر عکس، عقد غیر معوض یا مجانی عقدی است که یک مورد دارد و عوض ندارد.<sup>(۱)</sup>

یکی از بارزترین تفاوت هایی که حقوقدانان در تمیز عقد معوض از غیر معوض (مجانگی) ذکر کرده اند این است که در عقد غیر معوض اساساً شخصیت طرفی که عقد به سود او تشکیل می شود، علت عمده عقد است. اما در عقد معوض شخصیت طرف اصولاً علت عمده عقد نیست و مقصود شخصی که مال خود را با مال طرف عقد، مبادله می کند، به دست آوردن مالی دیگر به عنوان عوض است، و برای او تفاوتی ندارد که دهنده عوض چه شخصی باشد.

با توجه به موارد بالا به نظر می رسد که عقد بیمه، عقدی معوض باشد چرا که مثلاً در بیمه های اموال حق بیمه از طرف بیمه گذار به بیمه گر داده می شود و در مقابل بیمه گر نیز متعهد به جبران خسارت می شود. اما ممکن است ایراد شود که در بیمه عمر به نفع ثالث بیمه گر متعهد می شود که سرمایه بیمه را در صورت فوت بیمه شده به ذی نفع پردازد. بنابراین حق بیمه را بیمه گذار می دهد اما سرمایه بیمه وارد مالکیت ذی نفع (استفاده کننده) می شود. پس یک عقد معوض نیست بلکه عقد یک طرفی است که صرفاً بیمه گذار حق بیمه را به بیمه گر می پردازد.

در پاسخ باید گفت خیر، عقد بیمه در تمام اقسام آن یک عقد معوض است که عوضین آن عبارت‌اند از حق بیمه و تأمین (امنیت و آرامش خاطر). بنابراین در بیمه عمر به نفع شخص ثالث نیز این که بیمه‌گر متعهد به پرداخت سرمایه بیمه به ذی نفع می‌شود در حقیقت برای بیمه‌گذار این آرامش و امنیت خاطر را به ارمغان می‌آورد که بعد از فوت بیمه شده، استفاده‌کننده (که عموماً از اقربای بیمه‌گذار است) دچار عسرت و تنگدستی نخواهد شد. بنابراین بیمه عقدی معوض است و گفتیم در عقود معوض اصولاً شخصیت طرف، علت عمده عقد نیست، اما در مورد بیمه این امر صدق نمی‌کند. اصولاً عقد بیمه همانند عقد نکاح یک قرارداد شخصی است. بیمه‌گذار و بیمه‌گر، باید با نهایت حسن نیت معامله کنند. تبادل اطلاعات نه تنها راجع به قرارداد باید صورت گیرد بلکه در مورد شخصیت، رفتار و اعتبار یکدیگر نیز باید تحقیق شود. به همین جهت رضایت شرکت بیمه نسبت به انتقال هر قرارداد بیمه ضروری است.<sup>(۱)</sup>(۲)

۵. از حیث مطلق یا مشروط بودن تأثیر اراده (تشریفاتی و رضایی) غیر تشریفاتی I)

به اعتبار نفوذی که اراده در انعقاد قرارداد حایز است، قراردادها را به رضایی و تشریفاتی تقسیم می‌کنند. توافق دو اراده رکن لازم و کافی برای انعقاد قرارداد است. در حقوق ما اصل این است که عقود با توافق واقع می‌شود و به هیچ شکل خاصی نیاز ندارد. این عقود را به اعتبار کافی بودن رضای دو طرف در وقوع آنها، «عقود رضایی»<sup>(۳)</sup> گویند<sup>(۴)</sup>. عقود تشریفاتی عقودیه هستند که شرط صحت و اعتبار آن، انعقاد در شکل

1. Robert I.Mehr and Emerson Cammack; principles of Insurance, third Edition, Illinois: Richard D.Irwin/Inc. Homewood, 1961, p.111.

۲. مگر این که بیمه‌نامه به صورت حامل صادر شده باشد که این نوع بیمه‌نامه هم صرفاً در بیمه‌های حمل و نقل ضرورت دارد.

۳. البته عده‌ای از حقوقدانان معتقدند که اصطلاح «عقود رضایی» به اشتباه در تألیفات حقوقی ایران وارد شده چرا که در حقوق ایران عنصر سازنده عقد قصد انشاست نه رضا، به همین جهت تعبیر صحیح عقد غیر تشریفاتی، «عقد قصدی» است نه عقد رضایی. ر.ک.: دکتر مهدی شهیدی؛ همانجا.

۴. دکتر سید حسین صفایی؛ همان منبع، ص. ۴۴.

مخصوص و با تشریفات معین است و توافقی که چنین شرطی را نداشته باشد باطل است.

البته تشریفات بودن عقود بیشتر در زمان‌های گذشته بوده است. امروزه به ضرورت ایجاد سرعت در روابط معاملاتی و توجه بیشتر به اصل حاکمیت اراده، گرایش به سوی حذف تشریفات بیشتر شده است. عده ای گفته اند: در حقوق ایران امروزه عقد تشریفات که بدون اجرای تشریفات باطل باشد وجود ندارد.<sup>(۱)</sup> مگر پاره‌ای از عقود عینی نظیر بیع صرف که علاوه بر ایجاب و قبول تسلیم مورد عقد نیز لازم شمرده شده است.

در عقود رضایی آنچه اهمیت دارد شرایط وقوع عقد است نه اثبات آن. قراردادی که به توافق واقع می‌شود، اگر اثبات آن با تمام دلایل ممکن نباشد، باز هم رضایی (غیر تشریفات) است. زیرا عقد به توافق واقع می‌شود و اگر به دلیل دیگری، مانند اقرار، وقوع توافق اثبات شود، تمام آثار عقدی کامل و ناقد را دارد.<sup>(۲)</sup>

ماده ۲ قانون بیمه ۱۳۱۶ مقرر می‌دارد: «عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه‌نامه خواهد بود». مفهوم مخالف این ماده این است که عقد بیمه نباید به صورت شفاهی باشد. یعنی غیر مکتوب بودن بیمه را نهی کرده است. سؤال این است که آیا نهی قانون‌گذار موجب بطلان بیمه است یا خیر؟ یعنی اگر بیمه‌گذار و بیمه‌گر به صورت شفاهی توافق کنند عقد بیمه تشکیل می‌شود یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: اولاً، سیاق عبارت طوری تنظیم شده است که نمی‌توان از آن بطلان بیمه شفاهی را استنباط کرد. ثانیاً، اصل صحت معامله است مگر دلیلی بر بطلان موجود باشد.

در حقوق فرانسه گفته شده است که در صورت نوشتن بیمه‌نامه، شهادت مطلقاً (حتی از بازرگان) در هیچ نصابی جایگزین بیمه‌نامه نمی‌شود. فقط اقرار و سوگند است

۱. دکتر سید حسن امامی؛ همان منبع ص. ۱۷۴؛ دکتر مهدی شهیدی؛ «فروش مال غیر منقول بدون تنظیم سند رسمی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش. ۱۱-۱۲، س. ۷۱-۷۲، ص. ۱۴.

۲. دکتر ناصر کاتوزیان؛ همان منبع، ص. ۸۸.

که می‌تواند جای آن را بگیرد. به نظر می‌رسد که در حقوق ایران دستور به نوشتن عقد بیمه، عنصر سازنده عقد نیست بلکه دلیل اثبات آن است.<sup>(۱)</sup>

۶. از حیث تساوی یا عدم تساوی موقعیت طرفین در برابر هم (تحمیلی و آزاد) عقد از نظر تساوی و عدم تساوی شرایط اقتصادی و روانی طرفین به عقد آزاد و عقد تحمیلی تقسیم شده است. در عقد آزاد طرفین با شرایط مساوی وارد مذاکره می‌شوند و پس از چانه زنی به توافق می‌رسند. اما در عقد تحمیلی یکی از طرفین به دلایل بهره‌مندی از شرایط و ابزار نیرومندتر، شرایط خود را به طرف دیگر تحمیل می‌کند. در این گونه عقود، شرایط را طرف نیرومندتر از پیش تعیین کرده است و متقاضی صرفاً با قبول خویش به قرارداد ملحق می‌شود. به همین جهت این دسته از عقود را عقود «الحاقی» نیز گویند.<sup>(۲)</sup>

قراردادهای حمل از جمله نخستین قراردادهای الحاقی بوده‌اند ولی امروزه تعداد این قبیل قراردادها رو به افزایش است. بیمه هم قراردادی الحاقی و تحمیلی محسوب می‌شود. شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها را بیمه‌گر تهیه و در بیمه‌نامه چاپ می‌کند. این خصوصیت زمینه در خطر قرار گرفتن حقوق بیمه‌گذار را فراهم می‌کند.<sup>(۳)</sup> در ایران که صنعت بیمه در انحصار دولت است، تحمیلی بودن عقد بیمه بیشتر احساس می‌شود. چرا که خریداران بیمه با شرکت‌هایی رو به رو هستند که توسط دولت اداره می‌شوند و شرایط یکسانی بر آنها حاکم است و رقابت کافی میان آنها وجود ندارد. در بیمه، خریداران بیمه، به دو صورت با مؤسسات بیمه طرف‌اند. یکی در مورد صدور بیمه‌نامه و تعیین نرخ و شرایط و مورد دوم، در هنگام بروز خسارت. در هر دو مورد بیمه‌گذار نسبت به مؤسسه بیمه در وضع نامطلوبی قرار دارد.<sup>(۴)</sup> برای مورد اول یعنی صدور بیمه‌نامه و تعیین نرخ و شرایط آن قانون‌گذار تدابیری اندیشیده است یعنی با تعیین نرخ‌ها حداقل و تنظیم شرایط عمومی بیمه‌نامه‌ها توسط شورای عالی بیمه سعی در حمایت از

۱. دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی؛ «حقوق بیمه (بررسی تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)»، مجله حقوقی

وزارت دادگستری، ص. ۲۰، ش. ۲، تیر ۵۷، ص. ۹۵. ۲. دکتر مهدی شهیدی؛ همان منبع، ص. ۹۰.

۳. آبت کریمی؛ کلیات بیمه، ص. ۵۲.

۴. دکتر ابرج علی‌آبادی؛ «حمایت مصرف‌کننده در بیمه»، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، ص. ۵، ش. ۲، ص. ۳.

حقوق مصرف کننده (بیمه‌گذار، بیمه شده و صاحبان حقوق آنها) داشته است. اما در مورد دوم یعنی تصفیه خسارت. بیمه مرکزی و شورای عالی بیمه هیچ صلاحیتی در اعمال نظارت بر مؤسسات بیمه ندارند. اگر در پاسخ اعلام خسارتی بیمه‌گر جواب دهد که جبران خسارت در تعهدات شرکت نبوده و قابل پرداخت نیست مدعی جز مراجعه به دادگاه چاره دیگری ندارد. اما مراجعه به دادگاه علاوه بر پرداخت هزینه دادرسی و صرف وقت، برای همه کار ساده‌ای نیست چرا که همه بیمه‌گذاران اطلاعات حقوقی ندارند. بنابراین تحمیلی بودن قرارداد بیمه تنها به مرحله انعقاد آن محصور نیست بلکه در مرحله تصفیه خسارت نیز یک قرارداد تحمیلی است.

۷. از حیث وابستگی یا عدم وابستگی تحقق عقد مستمر و آنی به زمان عقود از حیث وابستگی یا عدم وابستگی ایفای تعهدات ناشی از آن به زمان به عقود مستمر<sup>(۱)</sup> و آنی<sup>(۲)</sup> تقسیم می‌شود. عقد آنی، عقدی است که اثر آن در لحظه‌ای که طرفین انتخاب کرده‌اند ایجاد می‌شود. اما عقد مستمر، عقدی است که اثر آن در طول مدت معینی تحقق پیدا می‌کند، مثل اجاره و شرکت. قرارداد بیمه نیز ماهیتاً قراردادی مستمر است زیرا بیمه‌گر در ازای حق بیمه‌ای که دریافت می‌کند، تعهد می‌کند که اگر بیمه‌گذار در مدت زمان معینی، بر اثر بروز پیشامد مورد بیمه، متحمل خسارتی شود، آن را جبران نماید.<sup>(۳)</sup> تمیز عقد مستمر از آنی، فوایدی به شرح زیر دارد:

۱. تغییر وضعیت روابط طرفین عقد بر اساس تئوری عدم پیش بینی، در صورت دگرگونی شرایط اجرای قرارداد، مربوط به عقد مستمر است، نه آنی<sup>(۴)</sup>. در عقد بیمه تشدید خطر یا کاهش آن این حق را برای بیمه‌گر و بیمه‌گذار ایجاد می‌کند که در خواست افزایش و یا کاهش حق بیمه را بنماید (ماده ۱۶ قانون بیمه ۱۳۱۶).

۲. تمدید ضمنی فقط در قراردادهای مستمر امکان‌پذیر است، زیرا تعهد بیمه‌گر مستمر (از ابتدا تا انتهای مدت بیمه) و تعهدات بیمه‌گذار (پرداخت حق بیمه و ...) نیز استمرار دارد.<sup>(۵)</sup>

1. Executory Contracts.

2. Executed Contracts.

3. Robert I. Mehr and Emerson Commack; Op. cit., p. 109.

۴. دکتر مهدی شهیدی؛ همان منبع، ص. ۹۹.

۵. هادی دستباز؛ اصول و کلیات بیمه‌های اشخاص، ج. ۲، ص. ۱۰، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، ص. ۱۲.

۳. پس از انعقاد عقد بیمه با پرداخت حق بیمه تعهد بیمه‌گذار در مقابل بیمه‌گر پایان نمی‌پذیرد بلکه در تمام طول مدت قرارداد تعهد او به دادن اطلاعات<sup>(۱)</sup> و داشتن حد اعلای حسن‌نیت<sup>(۲)</sup> همچنان پابرجاست.

#### ۸. از حیث احتمالی یا قطعی بودن مورد عقد (شانسی و قطعی)

در حقوق مدنی معین بودن میزان و اوصاف تعهد هر طرف از شرایط اساسی صحت معاملات است.<sup>(۳)</sup> در حقوق ما در اکثر موارد «معامله غرری» باطل است. اما قانون‌گذار در پاره‌ای از موارد بنابر مصلحت اجتماعی و اقتصادی، عقدی را که آثار آن احتمالی است مباح شمرده و غرر ناشی از آن را مؤثر نشناخته است. از جمله این موارد عقد بیمه است.<sup>(۴)</sup>

بنابراین عقود از حیث احتمالی بودن یکی از دو مورد یا قطعی بودن آن، به «عقد شانسی» و «عقد قطعی» تقسیم می‌شود. عقد شانسی، عقدی است که در تحقق یکی از دو مورد عقد احتمال و شانس وجود دارد، مانند گروه بندی در اسب سواری (۶۵۵ قانون مدنی). عقد قطعی، عقدی است که هر دو مورد عقد عادتاً قطعی و غیر شانسی است مانند بیع خودرو در مقابل مبلغ معینی.<sup>(۵)</sup> در عقد بیمه‌گذار مبلغی را به عنوان حق بیمه به بیمه‌گر می‌دهد. در صورتی که متحمل خسارت شود می‌تواند مبلغ بسیار بیشتر از مبلغ حق بیمه پرداختی‌اش از شرکت بیمه دریافت کند. اما در صورتی که متحمل خسارتی نشود (که این نتیجه محتمل‌تر است) چیزی دریافت نخواهد کرد. از لحاظ شرکت بیمه نیز این احتمال وجود دارد که مجبور به پرداخت مبلغی بیشتر از حق بیمه دریافتی شود. یا به احتمال بیشتر، اصلاً مجبور به پرداخت هیچ مبلغی نشود. وجه مشخصه قرارداد شانسی وجود شانس (احتمال) است. البته عامل شانس برای شرکت بیمه از طریق اعمال «قانون اعداد بزرگ»<sup>(۶)</sup> تقلیل پیدا می‌کند.<sup>(۷)</sup>

1. Duty of disclosure.

2. Utmost good Faith.

۴. دکتر ناصر کاتوزیان؛ همان منبع، ص. ۱۲۴.

۳. ماده ۱۹۰ و ۲۱۶ قانون مدنی.

۵. دکتر مهدی شهیدی؛ همان منبع، ص. ۹۶.

6. The law of Large numbers.

7. Robert I. Mehr and Emerson Cammack; op. cit., p. 108.

قمار نیز یک عقد شانس است اما تمام قراردادهای شانس قمار نیستند. بیمه یک قرارداد قمار نیست، بلکه روش ترکیب ریسک‌های موجود و تعاون در تحمل خسارت است و از همه مهم تر یک مزیت اقتصادی - اجتماعی است. در مقابل، قرارداد قمار ریسکی را که وجود ندارد ایجاد می‌کند و هیچ نیاز ضروری اقتصادی یا اجتماعی را بر آورده نمی‌کند.<sup>(۱)</sup>

هدف بیمه‌گذار از پرداخت حق بیمه در عقد بیمه به دست آوردن تأمین و امنیت خاطر است. البته وی علاقه‌مند است که هرگز حادثه‌ای به بار نیاید. پرداخت خسارت از جانب بیمه‌گر نتیجه همین تأمین و آرامش خاطر است.<sup>(۲)</sup>

### نتیجه‌گیری

در پایان، نتیجه و ماحصل این مقاله ارائه می‌شود.

ماهیت حقوقی تعهد بیمه‌گر به نفع استفاده‌کننده در بیمه عمر «ایقاع معلق» دانسته شد که معلق علیه آن در بیمه عمر به شرط فوت، «فوت بیمه شده» و در بیمه عمر به شرط حیات، «حیات بیمه شده» است. در ماهیت حقوقی بیمه دیه نیز با توجه به ماهیت دوگانه دیه (مجازات بودن و جبران خسارت بودن) چنین استنباط گردید که تعهد بیمه‌گر ماهیتاً جبران خسارت زیان دیده یا اولیای دم است. همچنین آشکار شد که ماهیت حقوقی بیمه مسئولیت مدنی تعهد به نفع ثالث نیست بلکه متعهدله در بیمه مسئولیت فقط بیمه‌گذار است، هر چند ثالث (زیان دیده) از آن منتفع می‌شود. تعهد صندوق تأمین خسارت‌های بدنی نیز نوعی ایقاع یا تعهد یک طرفه است که قدرت الزام آور خود را از قانون می‌گیرد.

خصوصیات عقد بیمه نیز از جنبه‌های مختلف بررسی و آشکار شد که خصوصیات عقد بیمه از این قرار است: لازم، معلق، معین، معوض، غیر تشریفاتی، تحمیلی، مستمر و شانس.

1. Ibid.

۲. استاد مرتضی مطهری؛ همان منبع، ص. ۲۸.

## منابع

۱. دکتر بهروز اخلاقی؛ بحث پیرامون قراردادهای حمل و نقل از دیدگاه حقوق تجارت، مجله کانون وکلا، س. ۷۲-۷۱، دوره‌ی جدید، ش. ۶-۷.
۲. دکتر عوض احمد ادریس؛ دیه، ترجمه دکتر علی رضا فیضی، ج. ۲، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
۳. دکتر ربیعا اسکینی؛ حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، ج. ۲، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۴. دکتر سیدحسن امامی؛ حقوق مدنی، ج. ۱، ج. ۱۶، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۵.
۵. ژان لوک - اوپر؛ بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص، ترجمه دکتر جانعلی محمود صالحی، ج. ۱، تهران: بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۲.
۶. یداله بازگیر؛ موازین حقوقی تجارت در آراء دیوان عالی کشور، ج. ۱، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
۷. روزه - بو؛ حقوق بیمه، ترجمه دکتر محمد حیاتی، ج. ۱، تهران: بیمه مرکزی ایران، ۱۳۷۳.
۸. حسین توفیق رضا؛ اهلیت العقوبه فی الشریعه و القانون المقارن.
۹. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی؛ ترمینولوژی حقوق، ج. ۶، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۲.
۱۰. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی؛ دایرالمعارف حقوقی مدنی و تجارت، ج. ۱، ج. ۱، تهران: مشعل آزادی، ۲۵۳۷.
۱۱. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی؛ حقوق تعهدات، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۲. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی؛ حقوق بیمه (بررسی تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)، مجله حقوقی وزارت دادگستری، س. ۲۰، ش. ۲، تیر ۵۷.
۱۳. سید محمد خامنه‌ای، بیمه در حقوق اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. هادی دستباز؛ اصول و کلیات بیمه‌های اشخاص، ج. ۲، ج. ۱، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۱۵. دکتر عباس زراعت؛ شرح قانون مجازات اسلامی بخش دیات، ج. ۲، ج. ۱، تهران: ققنوس، ۱۳۷۸.



۱۶. دکتر حسن ستوده تهرانی؛ حقوق تجارت، ج. ۱، ج. ۱، تهران: دادگستری، ۱۳۷۴.
۱۷. دکتر مهدی شهیدی؛ تشکیل قراردادهای و تعهدات، ج. ۱، ج. ۱، تهران: حقوقدانان، ۱۳۷۷.
۱۸. دکتر مهدی شهیدی؛ فروش مال غیر منقول بدون تنظیم سند رسمی، مجله تحقیقات حقوقی، ش. ۱۲-۱۱، س. ۷۲-۷۱.
۱۹. فاضل صالحی؛ دیه یا مجازات مالی، ویرایش دوم، ج. ۳، قم: تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۲۰. دکتر سیدحسین صفایی؛ دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی (تعهدات و قراردادها)، ج. ۲، تهران: موسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۱.
۲۱. توفیق عرفانی؛ قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، ج. ۱، تهران: انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۱.
۲۲. دکتر ایرج علی آبادی؛ قانون بیمه مسئولیت ثالث و صندوق تامین خسارت‌های بدنی، فصلنامه بیمه مرکزی، س. ۲، ش. ۲.
۲۳. دکتر ایرج علی آبادی؛ حمایت مصرف کننده در بیمه، فصلنامه بیمه مرکزی، س. ۵، ش. ۲.
۲۴. احمد فتحی بهنسی؛ دیه فی الشریعه الاسلامیه، ص. ۱۵؛ العقوبه فی فقه الاسلامی.
۲۵. دکتر ناصر کاتوزیان؛ قواعد عمومی قراردادها، ج. ۱، ۲، ۳، تهران: انتشار و بهمن برنا، ۱۳۷۴.
۲۶. دکتر ناصر کاتوزیان؛ الزام‌های خارج از قرارداد، ج. ۱، ج. ۱۷، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۲۷. دکتر ناصر کاتوزیان؛ ماهیت و قلمرو دیه - زبان ناشی از جرم، مجله کانون وکلا، س. ۷۲-۱۳۷۱، دوره جدید، ش. ۷-۶.
۲۸. دکتر ناصر کاتوزیان؛ وقایع حقوقی، ج. ۲، تهران: یلدا، ۱۳۷۴.
۲۹. آیت کریمی؛ بیمه اموال و مسئولیت، ج. ۱، ج. ۲، تهران: دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۷۷.

۳۰. دکتر ابوالقاسم گرجی؛ مقالات حقوقی، تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی، ج. ۱، چ. ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۲۷.
۳۱. دکتر ایرج گلدوزیان؛ حقوق جزای عمومی، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۲. تقی لطفی؛ فزونی و کاستی بحثی نواز حقوق مدنی سوییس، مجله کانون وکلا، ش. ۱۲۸ و ۱۲۹.
۳۳. اسکندر محمد پور؛ تحلیل قضایی از قوانین جزایی، ج. ۱، چ. ۲، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶.
۳۴. دکتر جانعلی محمود صالحی؛ حقوق زیان دیدگان و بیمه شخص ثالث، ج. ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۳۵. دکتر محمود جانعلی محمود صالحی؛ فرهنگ اصطلاحات بیمه و بازرگانی، ج. ۱، تهران: سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۷.
۳۶. دکتر همایون مشایخی؛ مبانی و اصول حقوق بیمه، ج. ۲، تهران: مدرسه عالی بیمه، ۱۳۵۳.
۳۷. فرهاد معزی؛ بررسی اجمالی ماهیت حقوقی بیمه دیه، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، س. ۵، ش. ۱.
۳۸. سید محمد موسوی بجنوردی؛ قواعد فقهیه، چ. ۲، تهران: میعاد، ۱۳۷۲.
۳۹. دکتر امیر صادق نشاط؛ غرر و شرط به نفع ثالث در بیمه عمر، فصلنامه بیمه مرکزی، س. ۸، ش. ۴.
۴۰. امیر صادق نشاط؛ بیمه، تامین دیه ناشی از حوادث رانندگی را به عهده می‌گیرد، ماهنامه صنعت حمل و نقل، ش. ۳۳، ۱۳۶۴.